

مأموریت پدر ژان تاده در ایران عصر صفوی

اعظم فولادی پناه^۱، احمد رضا خضری^۲

(دریافت مقاله: ۹۸/۰۴/۱۶، پذیرش نهایی: ۹۹/۰۳/۱۸)

چکیده

بررسی فعالیت‌های اتباع و سفرای دولت‌های اروپایی در ایران از جمله موضوعات قابل توجه در دوره صفوی است. در میان فرستادگان مذکور، «پدر ژان تاده»، سفیر اعزامی دربار واتیکان که در سال ۱۶۰۷ م / ۱۰۱۶ ق مقارن سلطنت شاه عباس اول همراه شماری از کشیشان کرملیت وارد اصفهان شد، یکی از مشهورترین آنهاست. حضور ۱۹ ساله این کشیش اسپانیایی تبار در ایران و همچنین انتخاب وی به عنوان فرستاده ویژه شاه عباس به دربار روسیه تزاری و نیز پادشاهی لهستان، نشانه‌ای از اعتماد و توجه خاص شاه ایران به این مبلغ مذهبی و فرستاده است. در این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی به حضور دراز مدت ژان تاده در دربار صفوی و همچنین چگونگی فعالیت‌های وی به عنوان سفیر دربار واتیکان در ایران پرداخته خواهد شد.

کلید واژه‌ها: پدر ژان تاده، فرقه کرملیت، صفویه، شاه عباس اول، تبشیر مسیحیت، روابط خارجی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، Email: Fooladi.panah@ut.ac.ir

۲. استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، Email: akhizri@ut.ac.ir

مقدمه

تاکنون آثار فراوانی در باب هیأت‌های تبلیغی - تبشیری اعزام شده به ایران صفوی، به کوشش و قلم مورخان و پژوهشگران ایرانی و اروپایی منتشر شده است. باید توجه داشت که بیشتر پژوهش‌های جدید، بر مبنای اطلاعات منابع اروپایی بوده است، زیرا در مقایسه با انبوهی از آن قبیل مآخذ، آگاهی‌های موجود در اغلب منابع فارسی مربوط به عصر صفوی درباره موضوع اتباع خارجی و مبلغان مذهبی اندک است. در میان پژوهش‌های جدید، کمتر اثری به صورت مستقل به تبیین و تحلیل فعالیت‌های مبلغان کرملیت در ایران عصر صفوی اختصاص یافته است. از پژوهش‌های جدید درباره کشیشان کرملیت، می‌توان از مقاله «کرملیت‌ها در ایران» (Carmelites in Persia)، اثر فرانسیس ریچارد (Francis Richard) نام برد که در آن به صورت بسیار مختصر به حضور کشیش ژان تاده در ایران عصر صفوی اشاره شده است. همچنین کتاب مسیحیان در ایران (Christians in Persia) اثر رابین واترفیلد (Robin Waterfield) ذیل فصل حضور میسیونرهای کاتولیک در ایران، به موضوع ورود کشیشان کرملیت به ایران پرداخته و از آن جمله به اختصار تمام از ژان تاده سخن به میان آمده است. با توجه به حجم اندک تحقیقات در این زمینه، پژوهش درباره نقش سردمداران هیئت تبلیغی کرملیت، که پدر ژان تاده از مهم‌ترین ایشان بود، می‌تواند حاکی از تعامل ایران و دولت‌های اروپایی باشد. مأموریت پدر ژان تاده به عنوان نماینده ویژه دربار واتیکان در ایران، موجب تداوم حضور طولانی مدت مبلغان و پدران کرملیت در ایران شد.

دولت‌های مسیحی با افزایش حملات سلاطین عثمانی و پیشروی آنها به سوی اروپای مرکزی، احساس خطر کردند و در صدد برآمدند تا در بیرون از قاره اروپا نیرویی برای مقابله با دولت عثمانی بیابند.^۱ بهترین گزینه ایران بود، زیرا پادشاهان صفوی از آغاز با سلاطین عثمانی اختلاف داشتند و سپاهیان دو کشور، بارها در نواحی مرزی غرب و شمال غربی ایران و منطقه قفقاز و عراق جنگیده بودند. در این میان دولت‌هایی نظیر اسپانیا، پرتغال، فرانسه در اعزام نمایندگان سیاسی و بیش از همه مبلغان مسیحی،

۱. این سیاست دولت‌های اروپایی پیشینه تاریخی داشت، زیرا در دوره ایلخانان مغول نیز، وجود ممالیک به عنوان دشمن مشترک موجب گسترش روابط میان ایران و دولت‌های مسیحی اروپا گردید، هرچند که اتحاد میان ایلخانان و دولت‌های مسیحی، در عمل به جایی نرسید، نخستین گامها برای اتحاد در مقابل دشمن مشترک میان غرب و شرق برقرار شد (برای آگاهی بیشتر، نک: بویل، ۳۴۱/۵-۳۴۸، ۵۱۴-۵۱۶، ۳۷۷-۳۷۸؛ جوادی، ۱۳-۱۴).

به ایران پیش قدم بودند. به ویژه در دورهٔ عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق/ ۱۶۲۹-۱۵۸۸ م) روابط میان ایران و دولت‌های مسیحی اروپا و پاپ گسترش بیشتر یافت: وقتی خبر پیروزی‌های شاه عباس اول و اقداماتش برای ایجاد دولتی متمرکز و مقتدر، در آغاز آخرین دهه قرن شانزدهم میلادی به رم رسید، پاپ کلمنت هشتم^۱ (۱۶۰۵-۱۵۹۲ م) در نامه‌ای به شاه ایران، به او پیشنهاد داد برای مقابله با دولت عثمانی با دولت‌های اروپایی هم پیمان شود. وی در این نامه ضمن اشاره به قدرت نظامی ترکان عثمانی، دولت ایران را تشویق کرد تا سپاه خود را با سلاح‌های گرم تجهیز کند و نیز وعده داد که به زودی افرادی متبحر در عرصه نظامی و ساخت اسلحه را به ایران بفرستد (A Chronicle of the Carmelites, 1/ 26 & 1/68- 69).

پاپ کلمنت هشتم (۱۶۰۵-۱۵۹۲ م)، بعد از استقرار روحانیان فرقه آگوستین^۲ در اصفهان و صدور اجازهٔ شاه عباس برای ساخت کلیسایی برای آنها در آن شهر، با رویکرد تبلیغ مذهب کاتولیک در ایران و برقراری اتحاد ایران با پادشاهان دولت‌های مسیحی اروپا در برابر ترکان عثمانی، در سال ۱۶۰۴ م/ ۱۰۱۳ ق پدر ژان تاده را همراه شماری از کشیشان کرملیت برهنه پا از جمله «پادره^۳ وینسنت»^۴ و «پادره پل سیمون»^۵، در کسوت سفیران خود، به دربار شاه عباس اعزام داشت (فیگوتروا، ۲۱۹-۲۲۰؛ فلسفی، ۹۳۵/۳؛ A Chronicle of the Carmelites, 2/920).

ژان تاده در این مأموریت، سرپرستی هیأت تبلیغی اعزامی پاپ را بر عهده گرفت و دیگر کشیشان کرملیت در این مأموریت از وی پیروی می‌کردند (A Chronicle of the Carmelites , 2/921). او طی سال‌های ۱۶۰۷-۱۶۲۶ م/ ۱۰۱۶-۱۰۳۵ ق به مدت ۱۹ سال در ایران حضور داشت و در طول مدت مأموریت در جهت گسترش روابط ایران با دولت‌های مسیحی اروپا و پاپ سخت کوشید. از مآخذ موجود پیداست که روابط ایران با دولت‌های مذکور در عصر صفوی در دورهٔ حضور ژان تاده در ایران اوج گرفت. او در طول ۱۶۰ سال (۱۷۶۸-۱۶۰۸ م/ ۱۱۸۲-۱۰۱۸ ق) حضور مبلغان کرملیت در ایران، یکی از مبلغان پرکار و مؤثر بود (Ibid, 2/929).

1. Clement VIII

2. Augustinians

۳. پادره (Padre) در زبان اسپانیایی، پرتغالی و ایتالیایی به معنای پدر و مترداف با (Pere) فرانسوی و به معنای پدر روحانی است و این لقب تا اوایل دورهٔ قاجاریه در اشاره به مبلغان مسیحی به کار می‌رفت.

4 . Fr. Vincent Mary of S.Catherine of Sienna

5. Fr. Paul Simon of Jesus Mary

اعزام پدر ژان تاده همراه هیأت تبلیغی کرملیت به ایران از سوی پاپ

خوان رولدان ایبانز^۱ معروف به پدر ژان تادئوس از سنت الیسائوس^۲، کشیشی اسپانیایی تبار^۳ بود. او در ۱۵۷۴م در کالاهورا^۴ در اسپانیا غسل تعمید داده شد و در ۱۵۹۶م در صومعه والادولید^۵ جامه کشیشی برتن کرد و در ۱۵۹۷م در همان جا به درجه استادی رسید. او در ۱۶۰۰م به رم رفت و در ۱۶۰۱م به صومعه‌ای تازه تأسیس در ناپل^۶ فرستاده شد. ژان تاده از علاقه مندان تبلیغ در سرزمین‌های اسلامی بود و زمانی این آرزوی او تحقق یافت که پاپ او را برای اعزام به ایران برگزید.^۷ پاپ، به یاد دو حواری که بنابر سنت، انجیل را برای ایرانی‌ها بردند، به ژان لقب تادئوس^۸ اعطا کرد (A Chronicle of the Carmelites, 2/920).

ژان تاده و همراهانش پس از دریافت فرمان و نامه‌های پاپ کلمنت هشتم، در ۱۶۰۴م/۱۰۱۳ق از رم به سوی دربار شاه عباس رهسپار شدند. با آنکه آنها در شهر کراکوف^۹ از خبر مرگ پاپ آگاهی یافتند، به سرعت پیام پاپ جدید، پاپ پل پنجم^{۱۰} (۱۶۲۱-۱۶۰۵م) را که در سیاست خارجی کمابیش به سیاست‌های پاپ قبلی ادامه می‌داد، دریافت داشتند. سرانجام پدر ژان تاده و دیگر کشیشان کرملیت در تاریخ دوم دسامبر ۱۶۰۷م/۱۰۱۶ق وارد اصفهان شدند (A Chronicle of the Carmelites, 1/116-121).

استقبال صمیمانه شاه عباس اول از پدر ژان تاده و کشیشان کرملیت

بر پایه گزارش رسمی کرملیت‌ها، نخستین ملاقات رسمی ژان تاده و کرملیت‌های اعزامی به ایران، با شاه عباس در سوم ژانویه ۱۶۰۸م/۱۰۱۸ق در چهارباغ اصفهان روی داد (A Chronicle

1. Jaun Roldan y Ibanez

2. John Thaddeus of S. Eliseus

۳. پیتر دلاواله در باب سیمای ژان تاده نوشته است: «در واقع پدر ژان به خاطر چهره بسیار سفید و ظریفش بی‌شبهت به روس‌ها نیست هر چند ریش بور و پرحرفیش نشان می‌دهد که اهل اسپانیاست» (برای آگاهی بیشتر، نک: دلاواله، ۱/۷۶۰-۷۶۱).

4. Calahorra

5. Valladolid

6. Naples

۷. برای آگاهی بیشتر از زندگی ژان تاده، نک:

Hierarchia Carmelitana from the pen of Fr. Ambrosius S. Theresia and also see Fr. Florencio del Nino Jesus, O.C.D., in *En Persia* (Biblioteca Carmela Teresiana de Misiones).

8. Thaddeus

9. Cracow

10. Pope Paul V

را همراه هدایایی که گفته‌اند ارزش آن بیش از دو هزار اسکودی^۱ بود، به شاه عباس تقدیم داشتند (Waterfield, 65; A Chronicle of the Carmelites, 1/124).

شاه عباس در این دیدار، ژان تاده و پدران کرملیت را از لطف و محبت خود برخوردار کرد و فرمان داد تا خانه و زمینی در اصفهان در اختیار آنان بگذارند تا در آن، به راحتی زندگی کنند و کلیسایی کوچک و صومعه‌ای برای اجرای مراسم دینی خود بر پا دارند (فیگوئروا، ۲۲۰-۲۱۹؛ فلسفی، ۹۳۶/۳-۹۳۵). سپس به مهماندار دستور داد تا هدایایی به آنان اعطا شود، اما مبلغان کرملیت با توجه به عقاید خاص فرقه خود از پذیرش هدایا خودداری کردند (A Chronicle of the Carmelites, 1/126-127). بنابر اسناد، شاه عباس فرمان داد تا یکی از خانه‌های سلطنتی اصفهان را که مطابق میل کرملیت‌ها باشد، به آنان بدهند (اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی، ۷۴؛ کاوسی عراقی، ۲۲۸-۲۳۲). بدین ترتیب پس از مدتی، پدران کرملیت و به ویژه ژان تاده توانستند اعتماد ایرانیان را جلب کنند. چندی نگذشت که ژان تاده توانست از جمله نزدیکان^۲ و مترجمان خاص شاه عباس باشد (فلسفی، ۹۳۶/۳)، زیرا وی به زبان فارسی آشنایی داشت^۳ و نامه‌های ارسالی به دربار شاه عباس را که به زبان‌های لاتینی بود، ترجمه می‌کرد، یا به دستور شاه به دربار دولت‌های مسیحی اروپا نامه می‌نوشت (دلواله، ۹۵۹/۲؛ ۱/187 & 1/226). (A Chronicle of the Carmelites, 1/187 & 1/226).

– فعالیت‌های مذهبی پدر ژان تاده

۱. فعالیت‌های تبلیغی در میان درباریان شاه عباس

ژان تاده در زمینه اهمیت تبلیغ مسیحیت در میان درباریان و خاندان شاهی، در

۱. اسکودی (scudi) واحد پول ایتالیا در قرن شانزدهم میلادی بود.

۲. علاقه و احترام شاه عباس نسبت به پدر ژان تاده تا حدی بود که در ضیافت‌های ویژه خاندان شاهی، ژان تاده به دستور شاه، در سمت راست در نزدیکی محل استقرار شاه می‌نشست (برای آگاهی بیشتر نک: دلواله، ۷۵۸/۱-۷۵۹).

۳. کرملیت‌ها به آموختن زبان فارسی، اهتمام خاص داشتند و معتقد بودند سخن گفتن به زبان فارسی مهم‌ترین ابزار تبلیغی در ایران است. آنها بنابر آنچه اظهار داشته‌اند، مجبور بودند در دنیای شرق با چهار زبان عربی، فارسی، پرتغالی و هندی - گوایی سخن بگویند (برای آگاهی بیشتر نک: وصفی، «در جست و جوی نسخ خطی یگانه وقایع نگاری مسیحیت غرب به زبان فارسی»، ۷۷).

نامه‌هایی که در ۱۶۱۶م/۱۰۲۵ق به پدر بنیگنوس^۱ در رم نوشت، از رفتار صمیمانه درباریان با وی و سایر پدران کرملیت و از روابط صمیمانه خود با شاه، شاهزادگان و وزیران سخن به میان آورده است. او همواره مترصد فرصتی برای ترویج مسیحیت در میان درباریان بود. به نظر او نخستین راه تبلیغ مسیحیت در میان آنان، روش تزکیه است و سپس راهنمایی آنها به راه روشنگری^۲ و معرفی دین مسیح به عنوان دینی کمال‌گرا. ژان تاده برای تحقق این هدف، می‌کوشید تا برخی آثار و کتب مسیحیت از جمله «اصول و عقاید مسیحیت»، «انجیل» و «زبور داود» را به زبان فارسی ترجمه کند. او برای انجام این مهم، از سه عالم مسلمان ایرانی و یک رابی یهودی (عالم یهودی) که مترجم متون عبری بود، استمداد طلبید و بدین ترتیب به کار ترجمه و تصحیح متون مقدس پرداخت (جعفریان، ۲/۹۶۹؛ خضری، فولادی پناه، «فعالیت‌های مذهبی کارملیتها در ایران عصر صفوی»، ۱۳-۱۴؛ *A Chronicle of the Carmelites*, 1/231). شاه عباس خود برای مطالعه کتاب‌های دینی مسیحیان اشتیاق نشان می‌داد؛ چندان که در سال ۱۰۲۸ق/۱۶۱۹م در فرمانی از ژان تاده خواست تا زبور داود را برای وی به فارسی ترجمه کند (دلاواله، ۱-۷۴۲-۷۴۱؛ فلسفی، ۳/۹۶۶).

۲. برنامه ریزی برای ترویج مذهب کاتولیک در میان اتباع دولت صفوی

یکی از راه‌های ترویج مسیحیت در ایران، از منظر ژان تاده، تأسیس مدرسه‌ای میسیونری برای اقلیت‌های مسیحی ایران مانند آرامنه، گرجی‌ها و چرکس‌ها بود. وی در جهت تحقق این هدف به سران کلیسای کاتولیک رم پیشنهاد کرد تا بردگانی را از اقوام مختلف ساکن در ایران، از سنین کودکی بخرند و آداب و عقاید مذهب کاتولیک و اصول اساسی تبلیغ مسیحیت را ابتدا در اصفهان به آنها آموزش دهند و سپس آنها را برای تعلیم بیشتر، به رم بفرستند تا از آنها، در سنین جوانی به عنوان مترجمان و مبلغان مسیحیت در ایران استفاده کنند. ژان تاده می‌دانست که شاه عباس مخالفتی نخواهد کرد، زیرا برپایه قوانین عرفی برده داری، غلام و برده می‌باید بر دین سرور خود باشد و از این رو طرح پیشنهادی خود را مطرح کرد (خضری، فولادی پناه، «فعالیت‌های مذهبی کارملیتها در ایران عصر صفوی»، ۱۴-۱۵؛ *A Chronicle of the Carmelites*, 1/165). بنابراین، ژان تاده و اسلاف وی در ترویج مسیحیت در ایران اهداف بلند و مهمی در ذهن داشتند.

1. Fr. Benignus

2. Illuminative way

۳. فعالیت‌های تبلیغی در میان مسلمانان

ترویج مذهب کاتولیک در میان مسلمانان ایران، یکی از چندین هدف مهم مبلغان کرملیت بود و این مهم به ویژه در دوره حکومت شاه عباس اهمیت یافت. ژان تاده به عنوان سرپرست هیئت اعزامی مبلغان کرملیت، با توجه به تجربیات خود طی حضورش در ایران، به این نتیجه رسیده بود که منطقه لرستان، ناحیه مناسبی برای ترویج مسیحیت در میان مسلمانان است. او در گزارشی به رم، در ۱۶۲۱م/۱۰۳۰ق نوشت: «بسیاری از مردم لرستان تمایل دارند که مسیحی شوند و تقاضا دارند که تعدادی از پدران روحانی برای آنها اعزام شوند»^۱. به نظر او، مردم شمال خوزستان و بخش‌هایی از لرستان، در مقایسه با سایر مناطق ایران گرایش بیشتری به مذهب کاتولیک نشان می‌دهند (خضری، فولادی پناه، «فعالیت‌های مذهبی کارملیتها در ایران عصر صفوی»، *Ibid*, 1/236؛ ۱۶).

ژان تاده همچنین در سال‌های ۱۶۱۸-۱۶۲۱م/۱۰۲۷-۱۰۳۰ق پنج تن از مسلمانان ایرانی را که اکثر آنها جزو خادمان صومعه کرملیت‌ها در اصفهان بودند، غسل تعمید داده و به دین مسیح درآورده بود و آنان را ظاهراً برای آزادی بیشتر در تمرین آداب و عقاید مذهب کاتولیک راهی هرمز کرد. وی نامه‌هایی خطاب به حاکمان پرتغالی هرمز نوشت و از طریق آن پنج نفر برای آنها فرستاد؛ در زمانه‌ای که میان شاه عباس و پرتغالی‌ها بر سر تسخیر جزیره هرمز جنگ و درگیری بود. به همین سبب، امامقلی خان این پنج نفر را در مرزهای جنوبی ایران دستگیر کرد و چون نامه‌هایی برای پرتغالی‌ها داشتند، به‌عنوان جاسوس پرتغالی‌ها شناخته شدند (اسناد پادریان کرملی، ۲۲۷-۲۲۳؛ A Chronicle of the Carmelites, 1/259-260). شاه عباس چندان خشمگین شد که فرمان داد این نو مسیحیان را اعدام کنند^۲ (همان، ۲۴۶-۲۲۷). او با صدور فرمانی در سال ۱۰۳۲ق/۱۶۲۳م محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های کرملیت‌ها در نظر گرفت، از جمله کلیسا و صومعه کرملیت‌ها را تا مدت‌ها تعطیل کرد و رفت و آمد کشیشان کرملیت

۱. به نظر می‌رسد که این گزارش‌ها با اغراق بیان شده است و در اینجا فقط به ذکر گزارش‌ها پرداخته می‌شود و در باب صحت این مطالب نمی‌توان با قطعیت اظهار نظر کرد.

۲. پیسترو دلاواله اقدام ژان تاده را نوعی سهل‌انگاری نامنتظر تلقی کرده است، زیرا فرستادن این نو مسیحیان همراه نامه‌هایی برای فرمانده پرتغالی در هرمز، آن هم در زمانی بحرانی، به کشته شدن آنان منجر شد (برای آگاهی بیشتر، نک: دلاواله، ۲/۱۲۰۰-۱۲۰۱).

را تحت نظارت قرار داد و نگهبانانی به دستور شاه برای آنها گمارده شد (A Chronicle of the Carmelites, 1/ 264-267). این حادثه موقعیت کرملیت‌ها را در ایران به خطر افکند و به همین سبب، صاحب منصبان کلیسای کاتولیک در رم، نامه‌هایی به شاه عباس نوشتند و از وی تقاضا کردند تا نسبت به روحانیان کرملیت شیوه مناسبی در پیش گیرد (Ibid, 1/264). البته پس از مدت کوتاهی، محدودیت‌های ایجاد شده برای کرملیت‌ها به پایان رسید و شاه عباس دستور داد که هیچ فردی از رعایای ایران حق ندارد آزار و اذیتی نسبت به پدران کرملیت روا دارد (اسناد پادریان کرملی، ۲۵۱-۲۵۰).

۴. کوشش برای تأسیس اقامتگاه کرملیت‌ها در شیراز

در سال ۱۶۲۲م/ ۱۰۳۱ق ژان تاده در نامه‌ای از امام قلی خان حاکم شیراز برای تأسیس اقامتگاهی برای کرملیت‌ها در شیراز، درخواست مجوز کرد. امام قلی خان صدور چنین مجوزی را به دستور شاه عباس منوط دانست و نامه مشتمل بر درخواست ژان تاده را نزد شاه فرستاد و بدین ترتیب مجوز تأسیس اقامتگاه صادر شد (کاوسی عراقی، ۲۷۴؛ 1056-1057 Ibid, 2/). امام قلی خان در تاریخ جولای ۱۶۲۳م/ رمضان ۱۰۳۲ق به بهرام بیگ داروغه شیراز فرمان داد تا به انتخاب پدران کرملیت، یکی از خانه‌های سلطنتی به آنها تحویل داده شود (اسناد پادریان کرملی، ۲۵۳؛ کاوسی عراقی، ۲۷۶؛ Ibid). بدین سان با پیگیری‌ها و اقدامات ژان تاده، کرملیت‌ها با آنکه پایگاه تبلیغی خود را در سال ۱۶۲۲م/ ۱۰۳۱ق در هرمز از دست داده بودند، توانستند پایگاهی در سال بعد در شیراز تأسیس کنند.

- فعالیت‌های سیاسی پدر ژان تاده

۱. اعزام به سفارت ایران در روسیه و لهستان از سوی شاه عباس

شاه عباس که نسبت به ژان تاده اعتماد یافته بود، در سال‌های ۱۶۱۱-۱۶۱۰م/ ۱۰۲۰-۱۰۱۹ق تصمیم گرفت او را به عنوان سفیر نزد تزار روسیه، پادشاه لهستان و پاپ بفرستد تا از این طریق به آنها پیشنهاد دهد مسیر تجارت کالاهای ایرانی همچون ابریشم و فرش به اروپا را، از سرزمین عثمانی به مسیر روسیه و لهستان تغییر دهند، تا دولت عثمانی از بخشی از درآمدهای تجاری او محروم شود. دیگر پدران کرملیت نسبت به اعزام ژان تاده به سرزمین‌های یاد شده به عنوان سفیر ایران اعتراض کردند، زیرا او را

در مسائل مالی و تجاری آگاه نمی‌دانستند. از این گذشته، این مأموریت با حرفه او به عنوان یک راهب کرملیت منافات داشت. با این همه، ژان تاده بدون کسب اجازه از صاحب منصبان کلیسای کاتولیک رم و پاپ این مأموریت را پذیرفت^۱ (A Chronicle of the Carmelites, 1/ 194-195). حتی شاردن نیز از انجام چنین مأموریتی از سوی ژان تاده به عنوان یکی از اعضای هیأت مبلغان مسیحی تعجب کرد (شاردن، ۴/ ۱۴۸۱).

ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که ژان تاده در قبال انجام این مأموریت برای شاه عباس، امتیازی از او گرفت و آن، اجازه ساخت کلیسایی برای کرملیت‌ها در قلعه دربند بود، زیرا در سال ۱۶۱۱م/ ۱۰۲۰ق شاه نظرخان توگلی و محمدحسین سلطان روملو، حاکمان دربند در فرمانی برای پدران کرملیت، اجازه خرید زمینی را به وسعت ۴۰۰ ذرع به آنها، برای ساخت کلیسایی در دربند دادند (اسناد پادریان کرملی، ۹۲-۹۱، ۹۵-۹۴).

ژان تاده سرانجام از دربند عازم سرزمین روسیه شد، اما از آنجا که راه‌ها ناامن بود، در هشترخان متوقف شد و تصمیم گرفت تا برقراری امنیت در هشترخان بماند. آنگاه در نامه‌ای به تاریخ اکتبر ۱۶۱۱م/ شعبان ۱۰۲۰ق به شاه عباس، او را از وضع خود با خبر کرد (همان، ۹۷-۹۶). از طرفی حاکم هشترخان، آمدن ژان تاده را توطئه‌ای از سوی شاه عباس و پادشاه لهستان تلقی کرد و به همین سبب، پدر ژان تاده و همراهانش را دستگیر و زندانی و حتی شکنجه کرد (Ibid, 1/196-197 & 2/921). چون شاه عباس با خبر شد، به شماری از تاجران ارمنی ایران فرمان داد برای پدران کرملیت آذوقه و هرآنچه را که نیاز دارند تهیه کنند (اسناد پادریان کرملی، ۹۸-۹۷؛ A Chronicle of the Carmelites, 1/ 197). بدین ترتیب، با جلوگیری حاکم هشترخان این مأموریت ناکام ماند (Ibid, 2/921)، اما شاه عباس برای آزادی ژان تاده و همراهانش، حاکم هشترخان را تهدید کرد و سرانجام در سال ۱۶۱۴م/ ۱۰۲۳ق آنها پس از سه سال آزاد شدند و به آنها اجازه داده شد که به ایران بازگردند (Ibid, 1/197). وقتی ژان تاده در هشترخان بود، مارینا جوریا^۲ همسر تزار روسیه نامه‌ای به شاه عباس نوشت و آن را به ژان تاده رساند تا به دست شاه عباس برسد (اسناد پادریان کرملی، ۹۹؛ A Chronicle of the Carmelites, 1/ 197). همچنین شاه عباس در سال ۱۶۱۴م/ ۱۰۲۳ق در فرمانی

۱. یعقوب، مترجم پییترو دلاواله که از ارامنه اهل آلینجیا (آلینجا) Alingia (Alinja) در نخجوان بود و زبان روسی می‌دانست، در سفر ژان تاده او را همراهی می‌کرد (برای آگاهی بیشتر، نک: دلاواله، ۶۶۳-۶۶۴).

2. Grand Duches Marina Georgina

تمامی حکام، داروغه‌گان و کلانتران قلمرو ایران را موظف کرد تا ژان تاده را در راه بازگشت، از گنجه تا دارالسلطنه اصفهان، منزل به منزل همراهی و بدرقه کنند تا به سلامت به اصفهان برسد (اسناد پادریان کرملی، ۹۹-۱۰۰).

۲. انتصاب به سمت کنسولی فرنگیان اصفهان

شاه عباس در سال ۱۶۲۱م/ ۱۰۳۰ق ژان تاده را به سمت کنسولی تمامی فرنگیان شهر اصفهان منصوب کرد تا وی در این مقام، مدیریت و سرپرستی مسیحیان آن شهر را بر عهده گیرد و به کار دعاوی و حل اختلافات آنها بپردازد، اما ژان تاده این مقام را نپذیرفت، زیرا مسیحیان اصفهان از فرقه‌های مختلف بودند و حکم او را که کشیشی کاتولیک بود به راحتی نمی‌پذیرفتند، هرچند که ژان تاده از رسیدگی به امور و مشکلات مسیحیان اصفهان خودداری نداشت و در واقع به صورت غیررسمی به آن کار می‌پرداخت (دلواله، ۲/ ۱۰۸۵؛ فلسفی، ۳/ ۹۳۶).

۳. میانجیگری میان شاه عباس و نمایندگان دولت‌های اروپایی در ایران

پدران کرملیت و به خصوص ژان تاده نه تنها از اعتماد شاه عباس برخوردار بودند، بلکه بسیاری از سفرا و فرستادگان مذهبی دولت‌های مسیحی اروپا آنان را در انتقال مکاتبات و ترجمه و تشریح مقاصدشان امین می‌دانستند (فیگوئروا، ۳۰۳-۳۰۴، ۳۷۹؛ دلواله، ۲/ ۹۶۳). به عنوان مثال، دُن گارسیا دُسیلوا فیگوئرا^۱ سفیر اسپانیا در سال ۱۶۲۰م/ ۱۰۲۹ق، ژان تاده را واسطه قرار داد تا درخواست وی را در باب همکاری شاه ایران با انگلیسی‌ها به شاه عباس اعلام کند و شاه نیز پاسخ خود را به ژان تاده بیان داشت (اسناد پادریان کرملی، ۱۸۷-۱۸۶). همچنین کاپیتان پرتغالی هرمز، که در سال ۱۶۲۲م/ ۱۰۳۰ق به جزیره قشم حمله برده بود، ژان تاده را واسطه کرد تا حملات وی به قشم را نزد شاه عباس توجیه کند (همان، ۲۱۵-۲۱۴). البته در قضیه جنگ هرمز، عاملان پرتغال در هرمز هرگز نمی‌خواستند پدران کرملیت برای صلح میان ایران و پرتغال واسطه باشند، بلکه مایل بودند پدران روحانی آگوستن نزد شاه عباس وساطت کنند تا آنان منافع شخصی مأموران عالی رتبه پرتغالی را در نظر بگیرند، نه اینکه در فکر منافع پاپ و پادشاه اسپانیا باشند. کرملیت‌ها که از نیات پرتغالی‌ها آگاه بودند و

1. Don Garcia de Silva Figueroa.

نمی‌خواستند به موقعیت ایشان در ایران خدشه‌ای وارد شود و از طرفی پادشاه اسپانیا نیز در وفاداری کرملیت‌ها تردیدی به دل راه ندهد و آنها را به همسویی با انگلیسی‌ها متهم نکند، تصمیم گرفتند این مأموریت را انجام دهند و نزد شاه واسطه شوند (دلواله، ۲ / ۱۰۰۱). بنابراین، کرملیت‌ها برای برآوردن خواسته‌های برخی دولت‌های مسیحی و پاپ و گاهی به نشانه حسن نیت، میان شاه عباس و فرستادگان دولت‌های مذکور واسطه شدند.^۱

۴. رسیدگی به امور کاتولیک‌ها در ایران

ژان تاده که از توجه شاه عباس بسیار برخوردار بود، در تأمین حقوق اتباع خارجی کاتولیک در ایران می‌کوشید. ژان تاده به خصوص بعد از اینکه وی در ۱۶۱۶م/۱۰۲۵ق، از سوی صاحب منصبان کلیسای رم به عنوان سر اسقف اصفهان تعیین شد (اسناد پادریان کرملی، ۱۴۵-۱۴۴؛ A Chronicle of the Carmelites, 2/922)، بیشتر به امور اتباع مذکور رسیدگی می‌کرد و اگر حقوق آنها را کارگزاران شاه دیگران نادیده می‌گرفتند، آن را به اطلاع شاه می‌رساند. به عنوان نمونه، ژان تاده در سال ۱۶۱۵م/۱۰۲۴ق در نامه‌ای به شاه عباس، خبر دستگیری شماری از اتباع لهستانی، ونیزی و پرتغالی در راه عزیمت به هرمز را به دست امام قلی خان را اطلاع داد و سپس از شاه خواست تا وسایل آزادی آنها را فراهم آورد (همان، ۱۱۲). همچنین در نمونه دیگری، ژان تاده در مکاتباتی از امام قلی خان خواست تا اموال یکی از اتباع ونیزی را که در شیراز از دنیا رفته بود، به او در اصفهان برساند تا وی آن را به یک فرنگی نیازمند قرض

۱. پدران کرملیت در اعزام رابرت شرلی به اروپا نیز بی‌تأثیر نبودند، زیرا آنها از شاه عباس خواستند اجازه دهد تا رابرت شرلی به سرزمین خود باز گردد. به ویژه وقتی اهداف رابرت شرلی در مقابله با ترکان عثمانی آشکار شد و نیز به دنبال توصیه‌های مکرر پاپ، مبلغان کرملیت در جهت حمایت از سفارت رابرت شرلی برآمدند. کرملیت‌ها از یک سو ضمن آگاهی از موانع موفقیت سفارت رابرت شرلی در اروپا، همواره می‌کوشیدند این موانع را از چشم شاه ایران دور نگاه دارند و از سوی دیگر شاه عباس را علیه ترکان عثمانی برمی‌انگیختند و در عین حال، سفارت رابرت شرلی در اروپا را برای ایرانیان، فرصتی طلایی برای اتحاد با دولت‌های اروپایی در جهت مبارزه با ترکان عثمانی قلمداد می‌کردند. رابرت شرلی حتی در دومین سفر به اروپا (۱۶۱۷م/۱۰۲۴ق) از سوی شاه عباس، از شاه خواست تا یکی از کشیشان فرقه کرملیت به نام «پردمتمو دو لا کرو» (Pere Redemto de La Cruz) را با وی در این مأموریت همراه کند (برای آگاهی بیشتر، نک:

A Chronicle of the Carmelites, 1/ 126-128, 142-144 ; Blow, 88-89).

دهد (همان، ۱۱۸). نمونه‌های دیگری هم حاکی از حمایت‌های ژان تاده از فرنگیان است (همان، ۱۸۹-۱۸۸).

- فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی پدر ژان تاده

۱. ترجمه زبور داود و برخی کتاب‌های مسیحیت به زبان فارسی و کوشش برای تأسیس اولین چاپخانه در ایران

چنان‌که پیش از این اشاره شد، ژان تاده، در ۱۶۱۹م/۱۰۲۸ق بنا به فرمان شاه عباس، ترجمه فارسی زبور داود را به وی تقدیم داشت. ژان تاده همچنین برای آشنایی شاه عباس با صنعت چاپ، نسخه‌ای از انجیل چاپ شده به زبان عربی^۱ را به شاه هدیه کرد. بدین ترتیب، شاه عباس به تأسیس چاپخانه‌ای با حروف فارسی - عربی در ایران تمایل یافت و به ژان تاده فرمان داد تا چاپخانه‌ای در اصفهان تأسیس کند و لوازم این چاپخانه را از رم به اصفهان بیاورد (دل‌واله، ۱/ ۷۳۳ و ۱/ ۷۴۲-۷۴۱؛ فلسفی، ۳/ ۹۶۷؛ خضری، فولادی پناه، "فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مبلغان کرم‌لیت در ایران عصر صفوی"، ۶۵-۶۶؛ *A Chronicle of the Carmelites*, 1/305). برخی مسیحیان متعصب اروپایی مانند دل‌واله نیز ژان تاده را برای تأسیس چاپخانه‌ای در ایران تحسین کردند، زیرا دل‌واله معتقد بود مسیحیان از این طریق می‌توانند بسیاری از کتب مذهبی خود را در ایران نشر دهند و آرا و عقاید دین مسیح را تبلیغ کنند (دل‌واله، ۱/ ۷۴۲). ظاهراً در سال ۱۶۲۹م/۱۰۳۸ق اولین دستگاه چاپ ایرانی^۲، در صومعه کرم‌لیت‌ها در اصفهان، زیر نظر شاه عباس راه‌اندازی شد^۳ (فلسفی، ۳/ ۹۶۷؛ *A Chronicle of the Carmelites*, 1/306). بدین ترتیب پدران کرم‌لیت چاپخانه‌ای با حروف سربی دایر کردند و برخی از ادعیه و اذکار مسیحی و انجیل و تورات به دو زبان عربی و فارسی چاپ شد، گرچه نمونه‌ای از

۱. این نسخه عربی از انجیل در سال ۱۵۹۰م، به همت جیوانی باتیستا رایموندی، در چاپخانه مدیسی منتشر شده بود (فلور، ۸۷).

۲. در سفرنامه سفیر هلند در ایران آمده است: «...به نظر می‌رسد که خرید دستگاه چاپ هرگز توسط ژان تاده صورت نگرفت». این مطلب نشان می‌دهد که تا تاریخ این گزارش سفیر هلند، کرم‌لیت‌ها در این زمینه اقدامی نکرده بودند (برای آگاهی بیشتر، نک: فلور، ۸۷).

۳. برای آگاهی بیشتر، نک:

(Richard, "Carmelites in Persia", 833; Floor, "The First Printing-Press in Iran", 370; Richard, "Les privileges accordés aux religieux catholiques par les Safavides, quelques documents in edits", 167-182).

آن آثار اینک در دست نیست (گلیایگانی، ۹). آن چاپخانه با نام «بصمه خانه» در اصفهان شهرت یافت (میراحمدی، ۱۰۸-۱۰۷). به نظر می‌رسد در اثر روابط نزدیک میان ارامنه جلفا و کشیشان کرملیت (عادل‌فر، ۷۰-۶۹)، اولین کتاب در ایران با نام *هارانتس وارک*^۱ و *ساقموس*^۲ به کوشش خلیفه خاچاتور گساراتسی^۳ در کلیسای وانک جلفای اصفهان، در ۱۶۳۸م/۱۰۴۷ق به چاپ رسید (رائین، ۱۵۹؛ خضری، فولادی‌پناه، "فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مبلغان کرملیت در ایران عصر صفوی"، ۶۵-۶۶).

ژان تاده همچنین در مدت مأموریت در ایران، علاوه بر ترجمه زیور داود آثار دیگری به زبان فارسی تالیف کرد؛ مانند: *فرهنگ لغات و اصطلاحات زیور داود* به زبان‌های عبری، لاتینی و فارسی، ترجمه کتاب *آموزه‌های دین مسیح*^۴ به زبان فارسی، کتاب *فرهنگ لغات آموزه‌های دین مسیح به زبان فارسی - ایتالیایی*، کتاب *نقش کرملیت‌های برهنه پا*^۵ به زبان فارسی و ترجمه قرآن به زبان فارسی با حروف لاتینی (خضری، فولادی‌پناه، "فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مبلغان کرملیت در ایران عصر صفوی"، *A Chronicle of the Carmelites*, 2/ 933; ۶۷).

۲. مناسبات با روحانیت شیعی

به‌طور کلی، یکی از دلایل اصلی واکنش علمای مسلمان و شیعه نسبت به مبلغان مذهبی مسیحی، فعالیت‌های مبلغان مذکور در نوشتن کتاب‌هایی ضداسلام و در دفاع از مذهب کاتولیک بود؛ گرچه ژان تاده و سایر مبلغان کرملیت در عصر صفوی و حتی بعد از آن، در این جهت چندان فعالیتی نداشتند، هر چند که آنها در ایجاد تعامل میان مسلمانان و مسیحیان نقش مهمی ایفا کردند. وقتی ژروم گزاویه، مبلغ مسیحی پرتغالی در دربار جهانگیر پادشاه گورکانی هند، در سال ۱۶۰۵م/۱۰۱۴ق کتابی علیه اسلام، با نام *آیین*

1. Harants Vark

2. Saghmosaran

3. Khachatur Kesaratsi

4. Christian Doctrine

5. Rule of the Discalced Carmelites

۶. ژروم گزاویه (Jeronim Xavier) (۱۶۱۷-۱۵۴۹م) از جمله مبلغان مسیحی بود که در سال ۱۵۷۱م/۹۷۹ق از پرتغال به هند رفت و در دربار جلال‌الدین اکبر گورکانی (۱۶۰۵-۱۵۵۵م/۱۰۴۱-۹۶۵ق) و پسرش جهانگیر شاه (۱۶۲۷-۱۶۰۴م/۱۰۳۷-۱۰۱۴ق) حضور یافت و در کمال احترام زندگی نمود. خاندان گزاویه نقش بزرگی را در تبلیغ مسیحیت در سراسر هند، چین و ژاپن بر عهده داشتند. (برای آگاهی بیشتر نک: جعفریان، ۹۷۷/۲؛ حائری، ۴۷۲).

حق نما تألیف و منتشر کرد (جعفریان، ۹۷۷/۲؛ وصفی، التفاعل بین الاسلام و المسيحيه فی ایران، ۳۳۹؛)، مبلغان کرملیت که در ۱۰۲۹/م ۱۶۲۰ ق پایگاهی در بندر گوا^۱ در هند برپا کرده بودند (A Chronicle of the Carmelites, 2/ 1245) و به هند رفت و آمد داشتند، در حدود ۱۰۳۲/م ۱۶۲۲ ق تلخیصی از آن کتاب را به اصفهان آوردند و پدر ژان تاده و پدر پریو^۲ آن را در ایران، به دست روحانیان شیعه رساندند (جعفریان، ۹۷۸/۲). بدین ترتیب، پدران کرملیت با این کار، انعکاس این اثر چالش برانگیز را در بین علمای شیعه آزمودند (وصفی، التفاعل بین الاسلام و المسيحيه فی ایران، ۳۳۹؛ Khizri, Fooladi-Panah, "INTERACTION AND CONTRADICTION BETWEEN CARMELITE MISSIONARIES AND SHIITE CLERICS IN IRAN DURING SAFAVID DYNASTY", 72. در همین سال، یعنی ۱۰۳۲ ق سیداحمد علوی عاملی اصفهانی^۳، از علمای عصر شاه عباس اول و شاه صفی، بخش دوم کتاب «آینه حق نما» را با عنوان مصقل الصفا فی الرد علی النصارى نگاشت (آقا جری، ۳۳۲-۳۳۱؛ جعفریان، ۹۷۷/۲؛ Flannery, 103-104). بنابر آنچه در نسخه‌ای از «مصقل الصفا» آمده، مؤلف به تفصیل به ستایش و تقدیر از پدران کرملیت به خصوص پدر ژان تاده و پدر پریو^۴ پرداخته است (علوی عاملی، ۱۱۶؛ وصفی، فولادی پناه، عربانی، «واکنش جامعه ایرانی به فعالیت‌های مبلغان کرملیت در نیمه دوم عصر صفوی»، ۹۶-۹۷)، زیرا آنها بودند که کتاب «آینه حق نما» را به دست مسلمانان ایران و علمای شیعه رساندند.^۵

1. Goa

2. Padre Brio

۳. سید احمد بن زین العابدین علوی عاملی اصفهانی خاله‌زاده، داماد و شاگرد میر محمد باقر داماد و از جمله علمای عالی قدر عصر صفوی بود (برای آگاهی بیشتر، نک: الامین، ۵۹۴-۵۹۳؛ طهرانی، ۲۵۵/۱۴؛ جعفریان، ۹۷۳-۹۷۱).

4. Padre Brio

۵. بعد از آنکه سید احمد علوی کتاب «مصقل الصفا» را علیه مبلغان کرملیت در دفاع از حقانیت مذهب خود و نیز پاسخ پیروان مذهب کاتولیک نوشت، کتاب مذکور را به رم فرستادند. چندی بعد، شخصی به نام بوناوانتور مالواسیا (Bonaventura Malavasia) در سال ۱۰۳۸/م ۱۶۲۸ ق، ردی بر «مصقل الصفا» نگاشت و در سال ۱۰۴۱/م ۱۶۳۱ ق یکی از مسیحیان فرقه فرانسیسکن به نام فیلیپگوادگندلی (Filippo Guadagnoli) کتاب علوی را پاسخ گفت. همچنین دفاعیه‌ای از مسیحیت با عنوان «نصرت الحق» (The Triumph of Truth) به همت کشیش کرملیت، گابریل چینون (Gabriel de Chinon) در ۱۶۶۸ م نگاشته شد. گابریل چینون از جمله مبلغان کرملی بود که برای تبلیغ در میان آشوریان در تبریز فعالیت می‌کرد. او این کتاب را در ۱۶۶۸ م به شاه سلیمان تقدیم داشت. این کتاب در زمینه تثلیث و بعد جسمانی حضرت عیسی (ع) است (برای آگاهی بیشتر، نک: آریان، ۱۵۸؛

Flannery, 104-105; Richard, "Catholicisme et Islam chiite au "grand siècle", 362-363.

مسئله دیگر، مناسبات ژان تاده و سایر کشیشان این فرقه با علمای این دوره است: ماجرای چالش ایجاد شده میان آنها و شیخ بهایی در دوره شاه عباس اول است. بدین ترتیب که کشیشان کرملیت در ماجرای مسلمان شدن ارامنه دهات بختیاری به کوشش شاه عباس در آگوست ۱۶۲۱م/۱۰۳۰ق، شیخ بهایی را مقصّر اصلی دانستند: بر اثر تحریک و تشویق وی، شاه عباس تصمیم گرفت ارامنه دهات بختیاری را مسلمان کند (A Chronicle of the Carmelites, 1/255). هر چند که در برخی منابع و مآخذ سبب این ماجرا را چنین آورده‌اند: وقتی شاه عباس در سال ۱۰۳۰ق/۱۶۲۱م طبق عادت، به منطقه کوهستانی آب کوه‌رنگ^۱ رفته بود، در ضمن گردش به صورت ناشناس، باخبر شد که شماری از زنان ارمنی در یکی از دهات مجاور از او به زشتی نام برده و از طرز حکومت وی بدگویی کرده‌اند و او چنان خشمگین شد که فرمان داد همه ارامنه منطقه بختیاری را به اختیار یا اجبار مسلمان کنند (دلواله، سفرنامه پییترو دلواله، ترجمه بهفروزی، ۱۰۶۲/۲ - ۱۰۶۱؛ فلسفی، ۱۱۵۷/۳). البته در کتاب وقایع نامه کرملیت‌ها، اشاره‌ای به این حادثه نیست و از طرفی، اسکندر بیک منشی در ذیل شرح این واقعه، نام دو شخص دیگر را برمی‌شمرد که به فرمان شاه ارامنه مذکور را به پذیرش اسلام واداشتند.^۲ در واقع، شیخ بهایی نیز مانند هر عالم مسلمان، علاقه داشت مسیحیان به آیین اسلام در آیند^۳ و از نظر علمای شیعی، تغییر دین با اعمال فشار پذیرفته نیست. از این رو ادعای کرملیت‌ها در باب تحریکات شیخ بهایی نسبت به شخص شاه برای مسلمانی ارامنه منطقه بختیاری به جبر و زور نمی‌تواند چندان درست باشد (وصفی، *التفاعل بین الاسلام و المسيحيه فی ایران، ۳۱۸*؛ وصفی، فولادی پناه، عربانی، «واکنش جامعه ایرانی به فعالیت‌های مبلغان کرملیت در نیمه دوم عصر صفوی»، ۹۴). تقابل کرملی‌ها با شیخ بهایی چنان بود که در کتاب وقایع نامه کرملیان، بی‌مقدمه، بلافاصله

۱. آب کوه‌رنگ نام دره‌ای است در غرب اصفهان و رودخانه‌ای به همین نام در آن جریان دارد که از زرد کوه بختیاری سرچشمه می‌گیرد (دهخدا، ۱۸۷۶۱/۱۲)
۲. این دو نفر که از سوی شاه مأموریت یافتند که ارامنه منطقه بختیاری را مسلمان کنند، عبارت بودند از: ابوالمعالی نطنزی و مولانا محمد علی تبریزی (اسکندریبگ ترکمان، ۹۶۰-۹۶۱)
۳. شیخ بهایی همچنین رساله‌هایی درباره مجاز بودن مسیحیان به خوردن گوشت خوک یا نوشیدن شراب نوشت. از این رو وی در دیدگاه‌هایش در خصوص این امور انعطاف‌پذیر بود. البته شاید این امر نتیجه تأییدات شاه و دربار در زمینه ضرورت ایجاد محیطی دوستانه برای مسیحیان تازه وارد به ایران (ارامنه) بود (برای آگاهی بیشتر، نک: Abisaab, pp.64-65; Matthee, pp. 20-21).

بعد از شرح مسلمانی اجباری ارامنه بختیاری آب کوه‌رنگ به تحریک شیخ بهایی، از مرگ شیخ (۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ق)^۱ در این هنگام (هفتم تا بیستم اوت (اگوست) ۱۶۲۱م) یاد شده است (A Chronicle of the Carmelites, 1/255). این موضوع حاکی از تقابل‌های فکری و مذهبی مبلغان کرملیت با روحانیان شیعی ایرانی است. به نظر می‌رسد موضوع در آمدن شماری از مسلمانان اصفهان به مسیحیت به دست ژان تاده و اعزام آنها به هرمز در دسامبر ۱۶۲۱م/۱۰۳۰ق، واکنش ژان تاده در برابر شاه عباس در ماجرای مسلمانی اجباری ارامنه بختیاری باشد، زیرا ژان تاده در پاسخ به اعتراض شاه عباس در باب مسیحی کردن مسلمانان نوشت: «... و دیگر پادری گفت شما بنویسید که نواب اشرف به کریستان دین محمدی در می‌آورند یا از ترس شمشیر یا از واسطه عزت به مال دنیا. اما که من هیچ چیز غیر کلمه خدا حقانی تنها کار می‌کنم که به دین عیسوی المسیح صاحب ما گرویدگان باشند و هم دلگیرم که درین قدر سال که درین جانب می‌باشم کس نه به دین آوردم. فاما در وقت آینده هر چند که به دست می‌آیند عیسی خواهم کرد...». (مکاتبات شاه عباس، ۳ / ۷۷-۷۸).

نتیجه

ژان تاده در مدت حضور در ایران، فعالیت‌های چند جانبه‌ای برای گسترش روابط ایران با دولت‌های مسیحی اروپا و نیز تحقق اهداف پاپ به انجام رساند و حتی پس از بازگشت به رم نیز، رهنمودهای او راه‌گشای سایر مبلغان کرملیت اعزامی به ایران بود. او در زمینه‌های مختلف مذهبی، سیاسی و فرهنگی-اجتماعی، فعالیت‌های کم‌نظیر داشت. علاقه مندی و آشنایی با زبان و ادبیات فارسی، به او امکان می‌داد تا نه تنها با شاه عباس و درباریان، بلکه با سایر اتباع ایرانی ساکن اصفهان ارتباط‌های گسترده برقرار کند. او در تأمین منافع دولت‌های اروپایی مانند پرتغال و اسپانیا نیز کوشش می‌کرد. بنابراین، می‌توان او را در میان مبلغان هم‌عصر و حتی در میان جانشینانش در جایگاهی

۱. شیخ بهاء الدین محمد بن حسین عبدالصمد حارثی، در ۹۵۳ق در بعلبک متولد شد، اما در تاریخ وفات وی، اختلاف است: اسکندر بیگ تاریخ مرگ وی را، ۱۲ شوال ۱۰۳۰ق ذکر کرده است، اما محسن امین در اعیان الشیعه علاوه بر سال ۱۰۳۰ق، سال‌های ۱۰۳۱ق و ۱۰۳۵ق را نیز ذکر کرده است. حال با توجه به گزارش‌های کشیشان کرملی در این باره می‌توان حدس زد که تاریخ صحیح وفات شیخ بهایی، همان سال ۱۰۳۰ق است (برای آگاهی بیشتر، نک: اسکندربگ ترکمان، ۳/۹۶۷؛ امین، ۲۳۴/۹).

بالا تر قرار داد. او از سوی مجمع مقدس تبشیر ایمان^۱ در رم تأیید می‌شد، زیرا با فعالیت در ایران، حضور طولانی مدت مبلغان کرمیت را در ایران تضمین کرد و به نوعی ارتباطات ایران را با دولت‌های مسیحی اروپا گسترش داد. در پایان مأموریت ژان تاده، مبلغان کرمیت اغلب در زمینه‌های فرهنگی و مذهبی به فعالیت پرداختند و کمتر در عرصه فعالیت‌های سیاسی وارد شدند. همچنین به سبب واکنش دربار و جامعه دینی ایران صفوی به تغییر دین شماری از مسلمانان به دست ژان تاده، مسیر فعالیت‌های مذهبی پدران کرمیت تغییر کرد و به نوعی توجه آنها بر جامعه غیر مسلمان ایران تمرکز یافت.

منابع

- آقاجری، سیدهاشم، مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران: طرح نو، ۱۳۸۹.
- آریان، قمر، چهره مسیح در ادبیات فارسی، تهران: معین، ۱۳۶۹.
- اسکندریگ ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰.
- اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی، به کوشش منوچهر ستوده و با همکاری ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۳.
- الامین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، حقیقه و اخراج حسن الامین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- بویل، جی. آ.، تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)، ج ۵، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷.
- جعفریان، رسول، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، ج ۲، تهران: علم، ۱۳۸۸.
- جوادی، حسن، «ایران از دیده سیاحان اروپایی»، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۴، سال هفتم، ۱۳۵۱، ص ۱۱-۴۲.
- حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- خضری، احمدرضا، فولادی پناه، اعظم، «فعالیت‌های مذهبی کارملیتها در ایران عصر صفوی»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۹۰، ص ۷-۲۷.
- همو، «فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مبلغان کرمیت در ایران عصر صفوی»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال چهل و پنجم، شماره یکم، بهار و تابستان، ۱۳۹۱، ص ۶۳-۷۹.
- دلاواله، پییترو، سفرنامه پییترو دلاواله، ج ۲، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: قطره، ۱۳۸۰.
- دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.

- رائین، اسماعیل، *ایرانیان ارمنی*، تهران: انتشارات چاپخانه تهران، ۱۳۲۹.
- شاردن، جان، *سفرنامه شاردن*، ج ۴، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس، ۱۳۷۴.
- طهرانی، آقابرگ، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، جلد ۱۴، نجف: مطبعة الآداب، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م.
- عادل فر، باقرعلی، *مسیحیان در ایران دوره صفویه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، زیر نظر دکتر احسان اشراقی، دفاع شده در ۱۳۷۰، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- علوی عاملی، میرسیداحمد، *مصقل الصفا در نقد کلام مسیحیت*، تصحیح حامد ناجی اصفهانی، قم: انتشارات چاپخانه امیر، ۱۳۷۳.
- فلسفی، نصرالله، *زندگانی شاه عباس اول*، ج ۵-۱، تهران: علمی، ۱۳۷۵.
- فلور، ویلم، *اولین سفرای ایران و هلند (شرح سفر موسی بیگ سفیر شاه عباس به هلند و سفرنامه یان اسمیت سفیر هلند در ایران ویلم فلور، تهران: طهوری، ۱۳۵۶.*
- فیگوئروا، دن گارسیا-دسیلوا، *سفرنامه فیگوئروا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
- کاوسی عراقی، محمد حسن، *اسناد روابط دولت صفوی با حکومت‌های ایتالیا*، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.
- گلپایگانی، حسین میرزا، *تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران*، تهران: گلشن، ۱۳۷۸.
- مکاتبات شاه عباس، ج ۳، چاپ عکسی، شماره بازیابی ۴۸۳۸، گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- میراحمدی، مریم، *دین و مذهب در عصر صفوی*، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- وصفی، محمدرضا، *التفاعل بین الاسلام و المسيحيه فی ایران- العهد الصفوی (۱۷۲۲-۱۵۰۱م)*، بیروت: مرکز الحضاره لتنمية الفكر الاسلامی، ۲۰۱۵.
- همو، «در جستجوی نسخ خطی یگانه وقایع نگاری مسیحیت غرب به زبان فارسی»، *مجله آیین* میراث، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۸۳، ص ۷۳-۸۹.
- وصفی، محمدرضا، فولادی پناه، اعظم، عربانی، جواد، «واکنش جامعه ایرانی به فعالیت‌های مبلغان کارملیت در نیمه دوم عصر صفوی»، *فصلنامه مسکویه*، سال ۷، شماره ۲۰، بهار ۱۳۹۱، ص ۸۱-۱۰۶.
- Abisaab, Rula Jurdi, *Converting Persia; Religion and Power in the Safavid Empire*, London: I. B. Tauris & Co Ltd, 2004.
- A Chronicle of the Carmelites in Persia and the Papal mission of the XVII and XVIII centuries*, Volume 1-2, London: Eyre and Spottiswoode, 1939.
- Blow, David, *SHAH ABBAS (The ruthless king who became an Iranian legend)*, London & New York: I. B. TAURIS, 2009.
- Flannery, John M., *The mission of the Portuguese Augustinians to Persia and beyond (1602-1747)*, Leiden: Brill, 2013.
- Floor, Willem, "The First Printing – Press in Iran", in *Zeitschrift det Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft*, no.130,1980,369-371.

- Khizri, Ahmadreza, Fooladi_Panah, Azam, "INTERACTION AND CONTRADICTION BETWEEN CARMELITE MISSIONARIES AND SHIITE CLERICS IN IRAN DURING SAFAVID DYNASTY", *PEOPLE: International Journal of Social Sciences*, Volume 3 Issue 2, 2017, pp.66-75.
- Matthee, Rudolph (Rudi), "Christians in Safavid Iran: Hospitality and Harassment", *Studies on Persianate Societies*, vol.3, Delhi, Manohar, 2008, pp.20-21.
- Richard, Francis, "CARMELITES in Persia", in *Encyclopedia IRANICA*, Vol. IV, London and New York: Routledge & Kegan Paul, 1990
- Idem, 'Catholicisme et Islam chiite au "grand siècle"', *Euntes Docete* 33/3 (1980), 339-403.
- Idem, "Les privileges accordés aux religieux catholiques par les Safavides, quelques documents in edits", *Dabireh* (Paris) ,no 6, automne 1989, 167 - 182.
- Waterfield, Robin, E., *Christians in Persia*, London: George Allen & Unwin, 1973.

